

بمیرنگین

سیرت در تصور شہادت
حضرت زہراؑ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به رنگ خون

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	به رنگ خون
۸	مشخصات کتاب
۸	پیشگفتار
۸	پرسش
۸	پاسخ حجتی کرمانی
۹	بررسی و تبیین شبهه مندرج در روزنامه آفتاب
۹	نکته یکم
۹	نکته دوم
۹	نکته سوم
۹	نکته چهارم
۹	نکته پنجم
۱۰	شیوه شناسی شبهه افکنی حجتی کرمانی
۱۰	شیوه الف
۱۰	شیوه ب
۱۰	شیوه ج
۱۰	گفتار یکم؛ شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام ، حقیقتی انکارناپذیر
۱۰	اشاره
۱۱	عامل یکم
۱۱	عامل دوم
۱۱	عامل سوم
۱۲	عامل چهارم
۱۵	گفتار دوم؛ شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام ، واژه ماندگار

- ۱۵----- معنای لغوی وفات و عدم تعارض آن با مفهوم شهادت
- ۱۵----- مثال الف
- ۱۵----- مثال ب
- ۱۵----- مثال ج
- ۱۶----- دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «مناقب» ابن شهر آشوب
- ۱۶----- دلیل یکم
- ۱۶----- دلیل دوم
- ۱۶----- دلیل سوم
- ۱۷----- (ب) کاربرد واژه وفات در کتاب «روضه الواعظین»
- ۱۷----- اشاره
- ۱۷----- دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «روضه الواعظین»
- ۱۷----- دلیل یکم
- ۱۷----- دلیل دوم
- ۱۷----- دلیل سوم
- ۱۸----- دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «منتهی الآمال»
- ۱۸----- دلیل یکم
- ۱۸----- دلیل دوم
- ۱۸----- دلیل سوم
- ۱۸----- دلیل چهارم
- ۱۹----- دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «وفاة الصدیقه علیها السلام»
- ۱۹----- دلیل یکم
- ۱۹----- دلیل دوم
- ۱۹----- بررسی لطمات جسمانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در منابع متقدم و متأخر
- ۱۹----- (الف) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام در کتاب «مناقب» ابن شهر آشوب

سند شماره ۱	۱۹
سند شماره ۲	۱۹
ب) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیهاالسلام در کتاب «منتهی الآمال»	۱۹
اشاره	۲۰
نمونه شماره ۱	۲۰
نمونه شماره ۲	۲۰
ج) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیهاالسلام در کتاب «وفاء الصدیقه علیهاالسلام»	۲۰
نمونه شماره ۱	۲۰
نمونه شماره ۲	۲۰
د) رنجهای حضرت زهرا علیهاالسلام در کتاب «روضه الواعظین»	۲۱
سند شماره ۱	۲۱
سند شماره ۲	۲۱
پی‌نوشتها	۲۲
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۲۴

به رنگ خون

مشخصات کتاب

سرشناسه: لباف علی ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدید آور: به رنگ خون سیری در نصوص شهادت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها / به اهتمام علی لباف
مشخصات نشر: تهران: منیر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۶۱ ص. : نمونه.

شابک: ۹۶۴۵۳۹۰۰۱X / ۶۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فا پا

یادداشت: چاپ دوم

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - شهادت

رده بندی کنگره: ۲ / BP۲۷ / ل۲ب۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴ - ۴۱۲۱۶

پیشگفتار

برخی شبها، هرچه لطیف‌تر بیان شوند، فریبنده‌تر و خطرناک‌ترند. هم کشف و استخراج آنها دشوارتر است و هم پاسخگویی به آنها مشکل‌تر. گاهی تشخیص یک شبهه در لابلای نوشته‌های یک فرد، مستلزم آگاهی و اشراف کامل بر دستگاه فکری او است. پیچیده‌ترین شبها، شبهاست که در قالب تحقیق و پژوهش مطرح می‌شوند و ابراز کننده آنها، از موضع «جستجوگر کنجکاو» سخن می‌راند.

این سخن شبها، هیچ‌گاه «به طور مستقیم» به انکار یک واقعیت تاریخی رو نمی‌آورند؛ بلکه شگرد اصلی در طراحی آنها این است

که: خواننده خود را در تردید و تعجب فرو می‌برند. آنچه در پی خواندن این گونه شبها پدید می‌آید، موجی از تردید، ابهام و شگفتیست که در نهایت، خواننده را «ناخودآگاه» به سوی انکار سوق می‌دهد. انکاری که روح را می‌خراشد و شاید هیچگاه بر زبان جاری نشود!! یکی از همین گونه شبها، ضمن پرسش و پاسخی که در شماره ۶۶۸ از روزنامه آفتاب، به قلم محمد جواد حجتی کرمانی درج گردیده، قابل مشاهده‌ست که متن آن بدین شرح می‌باشد:

پرسش

«در باب ظلم به حضرت سلام الله علیها بعد از وفات رسول خدا (ص) چه می‌گوئید؟ علت مرگ حضرت زهرا چه بود؟» (۱)

پاسخ حجتی کرمانی

«باری: در مورد وفات حضرت سلام الله علیها در منابع متقدم و متأخر از جمله مناقب ابن شهر آشوب (ج ۳ ص ۳۶۱) روضه الواعظین ابن قتال نیشابوری (ص ۱۸۱) منتهی الآمال محدث قمی (ص ۹۹) و أعیان الشیعه سید محسن امین عاملی (ج ۱ ص ۳۱۹) و بسیاری از منابع متقدم و متأخر دیگر واژه «وفات» به کار رفته است و بر حسب آنچه در این گونه منابع آمده است حضرت سلام الله علیها پس از رحلت رسول (ص) چندان غمگین شد که شب و روز می گریست و چندان دلسوخته و لاغر و نحیف و به شدت بیمار شد که پس از اندک مدتی رحلت فرمود. در پاره‌ای از کتب ناراحتی‌های مربوط به مشاجرات و درگیری‌های پس از وفات رسول خدا (ص) را هم مزید بر علت کرده‌اند. اما نمی‌توان گفت تمام مواردی که امروز نقل می‌شود آن گونه که آقای محدثین پنداشته‌اند، متواتر و اجماعیست ... شهادت یا وفات حضرت سلام الله علیها یک مقوله تاریخیست ... و بزرگان شیعه هم که رحلت آن حضرت را «وفات» ثبت کرده‌اند، سنی نبوده‌اند.»!

بررسی و تبیین شبهه مندرج در روزنامه آفتاب

نکته یکم

القاکننده شبهه، رحلت و وفات را «مرگ طبیعی!» معنا نموده و تأکید بر آن را به منزله انکار «شهادت» دانسته است! به عبارت دیگر، نامبرده، استفاده از واژه «وفات» درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را مترادف با «عدم به شهادت رسیدن ایشان» می‌پندارد و بر آن اصرار می‌ورزد!

نکته دوم

القاکننده شبهه، با استناد به استفاده عالمان شیعه از واژه «وفات: مرگ طبیعی!» چنین وانمود می‌نماید که همه به کاربرندگان این واژه، قائل به «شهید نشدن» حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوده‌اند!

نکته سوم

از آنجایی که ترجمه وفات به «مرگ طبیعی!» و به کار بردن آن برای اشاره به رحلت حضرت زهرا علیها السلام از ابتکارات اهل سنت است، القاکننده شبهه برای دفع هرگونه اتهام، تصریح می‌کند: بزرگان شیعه هم که رحلت آن حضرت را «وفات» ثبت کرده‌اند، سنی نبوده‌اند! همین تأکید، حاکی از آن است که وی - همانند سنیان - «وفات» و «شهادت» را در تضاد با یکدیگر می‌پندارد و لذا دفاع او از به کارگیری واژه «وفات: مرگ طبیعی!» در واقع کوششی پنهان برای انکار، «به شهادت رسیدن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» می‌باشد!

نکته چهارم

القاکننده‌ی شبهه، دلیل درگذشت حضرت فاطمه علیها السلام را به غصه‌های ناشی از فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اندوه حاصل از فراق آن حضرت صلی الله علیه و آله محدود نموده و با «بزرگ نمایی انحصار گرایانه‌ای» بر آن تأکید خاص می‌ورزد!

نکته پنجم

القائندهی شبهه، جهت حفظ وجهی علمی خود، به تأثیر گذاری برخی ناراحتیهای مربوط به مشاجرات و درگیریهای پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند؛ ولی به طور ضمنی، وجود این عوامل (لطمات جسمانی) را انکار می نماید! وی برای دستیابی به هدف خود از «سه شیوه» بهره می برد که به تفکیک به آنها اشاره می نمایم.

شیوه شناسی شبهه افکنی حجتی کرمانی

شیوه الف

وی هنگامی که می خواهد از «وفات: مرگ طبیعی!» - آن هم تنها به دلیل غم فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله - سخن بگوید، پس از اشاره به چند کتاب مشهور در میان شیعیان، می نویسد:

در بسیاری از منابع متقدم و متأخر دیگر، واژه «وفات» به کار رفته است! بدین ترتیب، عقیده به «مرگ طبیعی: شهید نشدن» حضرت زهرا علیها السلام را به تعداد زیادی از کتابهای شیعیان نسبت می دهد و برای دیدگاه خود، طرفداران فراوانی ترسیم می نماید!

شیوه ب

نامبرده، تصریح به وجود «لطمات جسمانی» را به «پاره‌ای از کتب» نسبت می دهد و بدین وسیله، چنین وانمود می نماید که: «در اغلب و اکثر کتابها» هیچ اشاره‌ای به تأثیر گذاری «لطمات جسمانی» در رحلت حضرت زهرا علیها السلام نگردیده است!

شیوه ج

القائندهی شبهه، پس از محکوم نمودن نقل‌های «لطمات جسمانی» به درج شدن در «تعداد اندکی از کتابها»، این نقلها را به شدت تضعیف نموده و به انکار تواتر آنها می پردازد. به عبارت دیگر، چنین القا می نماید که: در صحت و اعتبار «عواملی: لطمات جسمانی» که تنها «پاره‌ای از کتب» از آنها یاد نموده‌اند، شک و تردید اساسی وجود دارد!

گفتار یکم؛ شهادت حضرت زهرا علیها السلام، حقیقتی انکارناپذیر

اشاره

ما هرگز منکر غصه‌ها و گریه‌های جانگداز صدیقه طاهره علیها السلام در سوگ رحلت پدر بزرگوار شان، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیستیم. ما نیز می پذیریم و باور داریم که آن سوز و گدازها در غم فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تأثیر جانکاهی بر جسم و جان حضرت فاطمه علیها السلام نهاده است. اما آنچه به شدت با آن مخالفیم، «بزرگ نمایی انحصار گرایانه» این بخش از رنجهای فاطمه زهرا علیها السلام است؛ چرا که این قبیل تأکیدها را تلاشی برای به فراموشی سپردن سایر رنجهای جسمی و روحی آن حضرت علیها السلام می دانیم. محدود نمودن «دلایل رحلت حضرت زهرا علیها السلام» به رنجهای ناشی از فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و غفلت از سایر عوامل تأثیرگذار بر رنجوری جسم شریف ایشان، جفایی نابخشودنی در حق زهرای اطهر علیها السلام می باشد که در نهایت، به انکار «شهادت ایشان» می انجامد. ما در عین پذیرش تأثیر عمیق اندوه بی پایان صدیقه طاهره علیها السلام در فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بر نقش آفرینی عوامل بسیار مهم دیگری در رحلت حضرت زهرا علیها السلام، تأکید ویژه می ورزیم. در ضمن، یادآور می شویم که در صفحات تاریخ، هیچ نشانه‌ای از ضعف جسمانی حضرت زهرا علیها السلام تا قبل از حوادث سال یازدهم هجری، به چشم نمی خورد (۲) و بر خلاف آنچه برخی پنداشته‌اند،

(۳) «نصوص تاریخی»، حاکی از قوت جسمانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد؛ (۴) هر چند که اظهار شده:

«فاطمه از نظر جسمی کوچک و لاغر بود»! (۵ ...)

آشنایی با عوامل تأثیرگذار بر رنجوری جسم شریف صدیقه طاهره علیها السلام (دورنمایی کلی از لطامات جسمی و روحی صدیقه طاهره علیها السلام)

ابن قولویه (متوفای ۳۶۷ در کتاب «کامل الزیارات» (صفحه ۳۳۳) نقل می‌کند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

قَالَ جَبْرِئِيلُ خَطَابًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: [وَأَمَّا ابْتِئَاكُ فَتُظَلَّمُ وَتُحْرَمُ وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضَبًا الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ وَ يَدْخُلُ عَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنَزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ، ثُمَّ يَمْسُهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ، ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعًا وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ ...

[از امام صادق علیه السلام :

جبرئیل خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت؛] و اما دخترت؛ مورد ستم واقع می‌شود و محروم می‌گردد و حَقِّش غاصبانه گرفته می‌شود؛ همان حَقِّی که تو برایش فرار می‌دهی و در حالی که باردار است، او را می‌زنند و به حریم و خانه‌اش بدون اجازه وارد می‌شوند. سپس [از جهت ورود مهاجمان به خانه اش] به او خواری و ذَلَّت می‌رسد، بعد هم [مدافع و] بازدارنده‌ای نمی‌یابد و به جهت کوفته شدن، فرزندی را که در بطن دارد، فرو می‌اندازد و به دلیل آن ضربه، از دنیا می‌رود...

عامل یکم

همان طور که تأکید نمودیم، نخستین عامل مؤثر، غصه‌ها و گریه‌های ناشی از اندوه رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ اندوهی که ما هرگز به عمق آن پی نخواهیم برد.

عامل دوم

دومین عامل مؤثر، لطامات روحی ناشی از مظلومیت، غربت و تنهایی وصی بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله، یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود.

ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸)

در کتاب «مناقب آل ابیطالب» (جلد ۲، صفحه ۲۰۵، چاپ: مکتبه العلمیه) نقل می‌کند:

دَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ لَهَا: كَيْفَ أَصْبَحْتَ عَنْ لَيْتِكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَتْ: أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ، فَقَدْ النَّبِيُّ وَ ظَلَمَ الْوَصِيَّ. هَتَكَ - وَاللَّهِ - حِجَابٌ ...

ام سلمه بر فاطمه علیها السلام وارد شد و به وی گفت:

ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! شب خود را چگونه صبح نمودی؟

فرمود:

میان غصه و غم به صبح رساندم. [غصه] فقدان پیامبر و [غم و اندوه] ظلم به جانشین وی. به خدا سوگند! حرمت وصی پایمال شد

...

عامل سوم

سومین عامل مؤثر، لطمات روحی ناشی از تحقیر مقام عصمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام توسط خلیفه وقت و اطرافیان بود. (۶)

طبرسی (متوفای قرن ۶ در کتاب «احتجاج» جلد ۱، صفحه ۱۰۷) نقل می‌کند:

[حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از اتمام خطبه فدک فرمودند؛]

لَيْتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَيْتِي (۷) وَ دُونَ ذَلَّتِي (... ۸)

کاش پیش از [روز] خواری و سقوطم، مرده بودم...

جمع بندی عوامل فوق

لطمات روحی صدیقه طاهره علیها السلام تنها به غم و اندوه جانسوز از دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله منحصر نبوده است؛ بلکه بایستی بر این غصه جانگداز، دو اندوه جانکاه دیگر را هم افزود.

عامل چهارم

چهارمین عامل مؤثر - که در رأس همه عوامل قرار دارد - صدمات جسمانی ناشی از هجوم به «بیت فاطمه علیها السلام» و ضرب و جرح شدید صدیقه طاهره علیها السلام بود. به عبارت دیگر، رنجوری جسم شریف حضرت فاطمه علیها السلام تنها ناشی از لطمات روحی ایشان نبوده‌ست و تأثیرگذاری عمیق صدمات جسمانی بر رنجوری جسم شریف ایشان را نباید از یاد برد.

قاضی نعمان مغربی (متوفای ۳۶۳) در کتاب «دعائم الإسلام» (جلد ۱، صفحه ۲۳۲) نقل می‌کند:

[عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

قَالَ:] إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَسْرَّ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنَّهَا أُولَى (أَوْلَى) مَنْ يَلْحَقُ بِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَلَمَّا قُبِضَ وَ نَالَهَا مِنَ الْقَوْمِ مَا نَالَهَا لَزِمَتِ الْفِرَاشَ وَ نَحَلَ جِسْمَهَا وَ ذَابَ لَحْمُهَا وَ صَارَتْ كَالْخِيَالِ.

[از امام جعفر بن محمد صادق از پدرش علیهما السلام که فرمود؛] رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام محرومانه فرمود که وی نخستین شخص از اهل بیت او است که به ایشان می‌پیوندد. (۹) بعد، وقتی آن حضرت صلی الله علیه و آله رحلت فرمود و از طرف جماعت به آن بانو آن آسیها رسید، در بستر افتاد و جسمش ضعیف گشت و گوشت [بدن] وی آب شد (به تدریج لاغر شد) و مانند شبیحی گردید.

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) در کتاب «تلخیص الشافی» (جلد ۳، صفحه ۱۵۶) نقل می‌کند:

وَ الْمَشْهُورُ الَّذِي لِاخْتِلَافٍ فِيهِ بَيْنَ الشَّيْعَةِ أَنَّ عَمَرَ ضَرَبَ عَلِيَّ بَطْنَهَا حَتَّى أَسْقَطَتْ ...

و مشهوری که در میان شیعه هیچ اختلافی در آن نیست، آن است که عمر چنان ضربه‌ای بر شکم آن بانو وارد کرد که سقط جنین نمود...

طبری امامی (متوفای قرن ۵) در کتاب «نوادر المعجزات» (طبع جدید):

ص ۹۷-۹۸، چاپ: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم) نقل می‌کند:

فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ جَرَى مَا جَرَى فِي يَوْمِ دُخُولِ الْقَوْمِ عَلَيْهَا دَارَهَا وَ إِخْرَاجِ ابْنِ عَمِّهَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا لَحِقَهَا مِنَ الرَّجْلِ أَسْقَطَتْ بِهِ وَ لَدَا تَمَامًا وَ كَانَ ذَلِكَ أَصْلَ مَرَضِهَا وَ وَفَاتِهَا.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله جان سپرد و آن ماجراها در روز وارد شدن جماعت به خانه آن بانو و بیرون کشاندن پسر عمویش

امیرالمؤمنین علیه السلام و آن بلایی که از ناحیه آن مرد به او رسید، اتفاق افتاد؛ فرزند کاملی را سقط کرد و این مسأله، ریشه

بیماری و

وفات آن بانو بود.

عَلَّامَهُ حَلَّى (متوفای ۷۲۶) در کتاب «شرح التجرید» (صفحه ۳۷۶) نقل می‌کند:

و ضَرِبَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَلْقَتْ جَنِينًا اسْمَهُ مُحَسَّنٌ ...

و فاطمه علیها السلام کتک خورد و کوفته شد، لذا جنینی را که نامش محسن بود، فرو انداخت ...

نتیجه گیری از بررسی عوامل رنجوری صدیقه طاهره علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام در مسیر دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام متحمل لطمات روحی و به ویژه صدمات جسمانی شدیدی شدند و «علت اصلی» رحلت ایشان، ضرب و جرح‌های ناشی از هجوم هواداران خلیفه به «بیت فاطمه علیها السلام» بود.

طبری امامی (متوفای قرن ۵) در کتاب «دلایل الإمامه» (صفحه ۴۵، چاپ جدید؛ صفحه ۱۳۴) نقل می‌کند:

[عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عبد الله عليه السلام :

قَالَ:] وَ كَانَ سَبَبَ وَفَاتِهَا أَنَّ قُنْفُذًا مَوْلَى عَمْرِ لَكَزَّهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ، فَاسْقَطَتْ مُحَسَّنًا وَ مَرِيضًا مِنْ ذَلِكَ مَرِيضًا شَدِيدًا ...

[از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام که فرمود؛]

و دلیل وفات آن بانو این بود که قُنْفُذ - غلام عمر - به دستور او با نعل شمشیر (آهنی که انتهای غلاف شمشیر است) بر آن بانو به شدت ضربه‌ای زد؛ لذا محسن را سقط نمود و از این جهت، به سختی بیمار شد ...

کفعمی (متوفای ۹۰۵) در کتاب «مصباح» (صفحه ۵۲۲) نقل می‌کند:

إِنَّ سَبَبَ وَفَاتِهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ هُوَ أَنَّهَا ضُرِبَتْ وَ اسْقَطَتْ.

همانا سبب درگذشت آن بانو این است که وی ضربه خورد، کوفته شد و سقط جنین کرد. با توجه به آنچه ملاحظه فرمودید، به حق باید رحلت و درگذشت صدیقه طاهره علیها السلام را «شهادت» نامید.

طبرسی (متوفای قرن ۶) در کتاب «احتجاج» (جلد ۱، صفحه ۸۳) نقل می‌کند:

وَ حَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَيْنَ زَوْجِهَا وَ بَيْنَهُمْ عِنْدَ بَابِ الْبَيْتِ فَضَرَبَهَا قُنْفُذٌ بِالسُّوْطِ عَلَى عَضُدِهَا، فَبَقِيَ أَثَرُهُ فِي عَضُدِهَا مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الدَّمْلُوجِ مَنْ ضَرَبَ قُنْفُذٌ إِيَّاهَا فَأَرْسَلَ أَبُو بَكْرٍ إِلَى قُنْفُذٍ إِضْرِبْهَا، فَأَلْبَجَاهَا إِلَى عَضَادَةِ بَيْتِهَا، فَدَفَعَهَا فَكَسَرَ ضُلْعًا مِنْ جَنْبِهَا وَ أَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا، فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةً فَرَّاشٍ حَتَّى مَاتَتْ مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً ...

فاطمه علیها السلام در آستانه در، بین همسرش و آنان (مهاجمان) مانع شد و قُنْفُذ با شلاق بر بازوی آن بانو کوبید و اثر آن، بر بازوی وی

مثل بازوبند باقی ماند و ابوبکر، سراغ قُنْفُذ فرستاد که او را بزن! لذا آن بانو را به سمتی از خانه‌اش پرت کرد و استخوان دنده‌ای از پهلویش را شکست و آن بانو جنینی را از بطنش فرو انداخت. سپس پیوسته در بستر افتاده بود تا بر اثر آن [لطمات]، شهید از دنیا رفت ...

تعریف شهادت و انطباق آن بر رحلت صدیقه طاهره علیها السلام

محمد صالح مازندرانی (متوفای ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶) در کتاب «شرح الکافی» (جلد ۷، صفحه ۲۰۷، چاپ: اسلامیة) نقل می‌کند:

الشَّهِيدُ مَنْ قُتِلَ مِنْ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعْرَكَةٍ الْقِتَالِ الْأُمُورِ بِهِ شَرْعًا. ثُمَّ اتَّسَعَ فَأُطْلِقَ عَلَى كُلِّ مَنْ قُتِلَ مِنْهُمْ ظُلْمًا كَفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ إِذْ قَتَلُوهَا بِضَرْبِ الْبَابِ عَلَى بَطْنِهَا وَ هِيَ حَامِلٌ فَسَقَطَ حَمْلُهَا فَمَاتَتْ لِذَلِكَ.

شهید، شخصی از مسلمانان است که در معرکه جنگی که شرعاً به آن مأمور شده است، کشته شود. سپس این اصطلاح گسترش یافت و بر هر مسلمانی اطلاق می‌شود که مظلومانه کشته شود؛ مانند فاطمه علیها السلام که او را با کوبیدن در بر شکمش - در حالی

که باردار بود - به قتل رساندند؛ لذا فرزندش را سقط کرد و به همین دلیل جان سپرد. بر اساس همین مبنا، در احادیث اهل بیت علیهم السلام از حضرت زهرا علیها السلام با وصف «شهیده» یاد شده است. برای مثال:

ثقة الاسلام کلینی (متوفای ۳۲۹) در کتاب «اصول کافی» (جلد ۱، صفحه ۴۵۸) نقل می‌کند:
[عن علی بن جعفر عن أخیه ابی الحسن علیہ السلام :
قال: إن فاطمة صدیقه شهیده.

[از علی بن جعفر از برادرش ابوالحسن (امام کاظم علیہ السلام) که فرمود:
همانا فاطمه، صدیقه‌ای شهیده است.

تذکر

از آنجایی که مبنای مذکور، مورد پذیرش اهل سنت نیز می‌باشد؛ (۱۰) در منابع معتبر عامه از «سمیه: مادر عمار» با لقب شهیده یاد شده است.

ر. ک؛ ابن حجر: الإصابه، ج ۸، ص ۱۹۰.

ابن کثیر: السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۵.

ابن کثیر: البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۷۶.

ابن اثیر: أسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۱.

ابن سعد؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۶۴.

توصیف صدیقه طاهره علیها السلام به «مقتوله»، تأکیدی دیگر بر وقوع شهادت
شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) در کتاب «أمالی» (صفحه ۱۰۰، چاپ: بیروت)
جوینی شافعی (متوفای ۷۲۲)

در کتاب «فرائد السمطین» (جلد ۲، صفحه ۳۵، چاپ: محمودی) نقل می‌کنند:

[عن النَّبِیِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله : قَالَ: [فَتَقَدَّمَ عَلَيَّ مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْصُوبَةً مَقْتُولَةً ...

[از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله که فرمود]

پس [فاطمه علیها السلام] بر من با حالتی محزون، رنج‌دیده، غمگین و در حالی که حَقَش به تاراج رفته و به قتل رسیده است، وارد می‌گردد...

کراچکی (متوفای ۴۴۹) در کتاب «کنز الفوائد» (صفحه ۶۳، چاپ دیگر: جلد ۱، صفحه ۱۵۰) نقل می‌کند:

[عن مولانا الصادق علیہ السلام :

قال جدی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله : [ملعون ملعون من يظلم بعدی فاطمة ابنتی و یغصبها حقها و یقتلها.

[از مولای ما، امام صادق علیہ السلام :

جدم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود:]

ملعون است، ملعون؛ کسی که بعد از من به فاطمه دخترم ستم روا می‌دارد و حَقَش را غصب می‌کند و او را به قتل می‌رساند.

تذکری در پایان

همانطور که میدانید، سلسله صفویه از سال ۹۰۷ تا سال ۱۱۳۵ هجری در ایران سلطنت کردند. جهت دفع هرگونه توهمی مبنی بر این که عقیده به «شهادت حضرت زهرا علیها السلام» پرداخته دوران صفویه است، به سال وفات مورخان و محدثانی که از آثار

مکتوب آنها بهره برده‌ایم، توجه فرمایید.

گفتار دوم؛ شهادت حضرت زهرا علیها السلام، واژه ماندگار

معنای لغوی وفات و عدم تعارض آن با مفهوم شهادت

اندک تعمقی در معنای لغوی واژه «وفات» (۱۱) و کاربرد قرآنی آن، (۱۲) ما را به این نکته مهم رهنمون می‌گرداند که: هیچ گونه تعارض و تضادی میان معنای کلمات «وفات» و «شهادت» برقرار نمی‌باشد. زیرا معنای لغوی «وفات»، «هر نوع مرگی» را پوشش می‌دهد و در نتیجه، برای اشاره به «مرگ یک شهید» نیز می‌توان از کلمه «وفات» بهره برد. به عبارت دیگر، یکی از انواع مرگ «شهادت» می‌باشد و «شهید شدن» یکی از اقسام و مصدیق «وفات» به شمار می‌آید که تحقق آن، از شرایط خاصی برخوردار می‌باشد. لذا به کاربردن واژه «وفات» برای اشاره به «درگذشت یک شهید» خالی از هر گونه اشکال بوده و هرگز وقوع «شهادت» را زیر سؤال نمی‌برد. برای مثال: هر چند درباره به شهادت رسیدن امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت امام حسین علیه السلام، جناب جعفر طیار و زید بن حارثه هیچ شک و تردیدی وجود ندارد؛ در عین حال، برای اشاره به درگذشت ایشان، می‌توان از لغت «وفات» نیز استفاده نمود. بدیهیست که چنین کاربردی، هرگز به معنای انکار به شهادت رسیدن «امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت امام حسین علیه السلام، جناب جعفر طیار و زید بن حارثه» نمی‌باشد؛ چرا که مفهوم لغت «وفات» هر نوع مرگی - از جمله شهادت - را در برمی‌گیرد.

مثال الف

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) در کتاب «من لایحضره الفقیه» (حدیث شماره ۵۲۷) نقل می‌کند:

[عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

قَالَ:] إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ جَاءَ تَهُ وَفَاةً جَعْفَرِ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَزَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ، كَانَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ كَثُرَ بَكَؤُهُ عَلَيْهِمَا جِدًّا...

[از امام صادق علیه السلام که فرمود:]

هنگامی که خبر درگذشت جعفر بن ابیطالب (طیار) و زید بن حارثه به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، هر گاه به منزل خود وارد می‌شد، گریه‌اش بر آن دو شدت مییافت...

مثال ب

ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸) در کتاب «مناقب آل ابیطالب» (جلد ۴، صفحه ۱۷۵، چاپ: مؤسسه انتشارات علامه، قم) درباره تاریخ تولد امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند:

قَبْلَ وَفَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِسِتِّينَ ... دُو سَالٍ پِيشَ از وَفَاتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

مثال ج

طبرسی (متوفای قرن ۶) در کتاب «احتجاج» (جلد ۲، صفحه ۲۷۳) برای اشاره به عملکرد محمد بن حنفیه در دوران پس از شهادت امام حسین علیه السلام می‌نویسد:

بعد وفاءِ أخیه الحسین صلوات الله علیه ...

بعد از وفات برادرش امام حسین علیه السلام ... نکته قابل توجه این است که در منابع اهل سنت نیز برای یاد کردن از دو شهید بزرگوار صدر اسلام، یعنی جناب حمزه (۱۳) و جناب جعفر طیار (۱۴) واژه وفات استعمال شده است.

بررسی کاربرد واژه «وفات» در منابع متقدم و متأخر

الف) کاربرد واژه وفات در کتاب «مناقب» ابن شهر آشوب

مروری بر کتاب «مناقب آل ائمه اطهار» (۱۵) به صراحت نشانگر آن است که کلمه «وفات» در نوشتار ابن شهر آشوب، در تقابل و مخالفت با معنای «شهادت» به کار نرفته است.

دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «مناقب» ابن شهر آشوب

دلیل یکم

در صفحه ۴۲ از جلد چهارم این کتاب، درباره امام مجتبی علیه السلام می‌خوانیم:

فَصَلُّ فِي وِفَاتِهِ وَ زِيَارَتِهِ.

ابن شهر آشوب در حالی از لغت «وفات» در این فصل از کتابش استفاده می‌کند که در همان صفحه، درباره «جعده بنت اشعث» می‌نویسد:

فَقَتَلْتَهُ وَ سَمَّتَهُ.

او (امام حسن علیه السلام) را به قتل رساند و مسموم نمود.

دلیل دوم

در صفحه ۱۷۵ از جلد چهارم کتاب وی درباره امام سجاد علیه السلام چنین آمده است:

تُوْفِّي بِالْمَدِينَةِ ...

در مدینه وفات نمود ... و در صفحه بعد، تصریح شده است:

سَمَهُ الْوَلِيدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ.

ولید بن عبدالمملک به وی زهر داد.

دلیل سوم

در صفحه ۳۲۶ از جلد چهارم این کتاب درباره امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

فَصَلُّ فِي وِفَاتِهِ.

و در صفحه بعد، با این عبارت مواجه می‌شویم که:

فَدَعَا السُّنْدِي فَاَمْرَهُ بِأَمْرِهِ فَاَمْتَثَلَهُ وَ جَعَلَ سَمًا فِي طَعَامِ فَقَدَمَهُ إِلَيْهِ.

و [هارون]، [سنّدی] [بن شاهک] را خواست و او را به قتل مأمور کرد؛ او فرمان را اجرا کرد و زهری را در غذایی ریخت و به وی داد.

جالب‌تر آن که: ابن شهر آشوب در صفحه ۳۵۷ از جلد سوم کتابش، از حضرت زهرا علیها السلام با وصف «المظلومه الشهيدة» یاد

کرده

است.

ب) کاربرد واژه وفات در کتاب «روضه الواعظین»

اشاره

سیری در کتاب «روضه الواعظین» (۱۶) به وضوح حاکی از آن است که به کارگیری لغت «وفات» در این کتاب، به معنای «انکار شهادت» نمی‌باشد.

دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «روضه الواعظین»

دلیل یکم

ابن قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸) در صفحه ۱۶۷ از کتابش می‌نویسد:

مجلس فی ذکرِ وفاهِ الحسنِ بنِ علیِّ علیهما السلام.

کاربرد کلمه «وفات» برای اشاره به درگذشت امام مجتبی علیه السلام در این کتاب در حالیست که در صفحه ۱۶۷ از زبان امام حسن

علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

لَقَدْ سَقِيتَ السَّم.

بی‌تردید به من زهر خورانیده‌اند و این کلام، تصریح می‌کند که امام حسن علیه السلام به شهادت رسیده‌اند.

دلیل دوم

در صفحه ۲۱۶ از کتاب «روضه الواعظین» می‌خوانیم:

[مجلس] فی ذکرِ وفاهِ موسیٰ الکاظمِ علیه السلام.

اشاره به «وفات» امام کاظم علیه السلام در حالیست که ابن قتال در ذیل همین عنوان، در صفحه ۲۱۷ نقل می‌کند:

وَ كَانَتْ خُضْرَةٌ وَسَطَ رَاحَتِهِ تَدُلُّ عَلَيَّ أَنَّهُ سَم.

و بخش سبز رنگی در وسط کف دست وی نمایان بود که نشان می‌داد به ایشان زهر خورانیده‌اند و این نقل، به صراحت از به شهادت رسیدن امام کاظم علیه السلام حکایت دارد.

دلیل سوم

در صفحه ۲۲۹ از همین کتاب می‌خوانیم:

[مجلس] فی ذکرِ وفاهِ الرِّضَا علیه السلام.

جالب است که مؤلف در ذیل عنوان «وفات» حضرت رضا علیه السلام، در صفحه ۲۳۳ روایت می‌کند:

[عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ :

قَالَ: [والله ما منّا إلّا مقتولٌ شهيد. فَقِيلَ لَهُ: فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِ.
[از امام رضا عليه السلام که فرمود:]

به خدا سوگند! هیچ یک از ما نیست مگر آن که مقتول شهید است. سپس به ایشان گفته شد:
ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! چه کسی شما را می‌کشد؟
فرمود:

بدترین مخلوقات خدا در زمان من، مرا با زهر به قتل می‌رساند.

(ج) کاربرد واژه وفات در کتاب «منتهی الآمال»

نگاهی به کتاب «منتهی الآمال» (۱۷) تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی (متوفای ۱۳۵۹) به روشنی گویای آن است که مؤلف آن، «وفات» و «شهادت» را دارای دو معنای متضاد ندانسته است.

دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «منتهی الآمال»

دلیل یکم

در صفحه ۹۲ از جلد دوم کتاب «منتهی الآمال» درباره حضرت زین العابدین علیه السلام می‌خوانیم:
بدان که در وفات آن حضرت ... و در چند سطر بعد می‌خوانیم:
آن حضرت را به زهر شهید کردند.

دلیل دوم

در صفحه ۲۲۶ از جلد دوم، درباره امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم:
مؤلف گوید که در تاریخ وفات آن حضرت ... و در چند سطر بعد می‌خوانیم:
آن حضرت را ابراهیم بن ولید بن عبدالملک مروان به زهر شهید کرده و ...

دلیل سوم

در صفحه ۲۸۹ از جلد دوم، درباره امام جعفر صادق علیه السلام می‌خوانیم:
وفات کرد حضرت صادق علیه السلام در ماه شوال سنه یکصد و چهل و هشت به سبب انگور زهر آلوده که منصور به آن حضرت
خورانیده بود و در وقت شهادت از سنّ مبارکش ...

دلیل چهارم

هرچند که محدث قمی در کتاب «منتهی الآمال»، عبارت «وفات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» را به کار برده است، ولی در
کتاب دیگرش به نام «بیت الأحران» (۱۸) (صفحه ۳) در وصف آن بانو می‌نویسد:
الشَّهِيدَةُ الْمَظْلُومَةُ الْمُقْهَرَةُ ...

(د) کاربرد واژه وفات در کتاب «أعيان الشيعة»

سیری در جلد‌های اول و دوم کتاب «أعيان الشيعة» بیانگر آن است که مرحوم سید محسن امین (متوفای ۱۳۷۱) تنها برای امام حسین

علیه السلام از لغت «شهید» استفاده کرده است. (۱۹) وی برای امیرالمؤمنین علیه السلام از کلمه «قتل» (۲۰) و برای سایر ائمه علیهم السلام از واژه «وفات» بهره برده است. (۲۱)

ه) کاربرد واژه وفات در سایر منابع متقدم و متأخر از میان منابع متعددی! که به زعم القاکننده شبهه «وفات» این لغت را به معنای «مرگ طبیعی: عدم شهادت» به کار برده‌اند، تنها به معرّفی یک نمونه اکتفا می‌نماییم:

کتابی را انتخاب کرده‌ایم که از لغت «وفات» حتی در نامگذاری آن نیز استفاده شده است: کتاب «وفاء الصدیقه علیها السلام» (۲۲) تألیف: علامه سید عبدالرزاق مَقَرَّم (متوفای ۱۳۹۱).

دلایل عدم تعارض معانی کلمات «وفات» و «شهادت» در کتاب «وفاء الصدیقه علیها السلام»

دلیل یکم

در صفحه ۱۱۳، ذیل عنوان «یوم الوفاة» [«روز رحلت» :] می‌خوانیم:
 قَدْ قَضَتْ نَجَبَهَا شَهِيدَةً صَابِرَةً مَظْلُومَةً ...
 آن بانو در حالی که شهید، بردبار و ستم‌دیده بود؛ جان باخت ...

دلیل دوم

در صفحه ۱۲۰، ذیل عنوان «تاریخ الشهادة» [«تاریخ شهادت» :] می‌خوانیم:
 أُخْتَلَفَ فِي وَفَاءِ الصَّديقَةِ عَلَي أَقْوَالٍ ...
 در [تعیین زمان] وفات حضرت صدیقه علیها السلام اقوال مختلفی هست ...

بررسی لطمات جسمانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در منابع متقدم و متأخر

الف) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام در کتاب «مناقب» ابن شهر آشوب

سند شماره ۱

ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸) در کتاب «مناقب آل أیطال» (۲۳) نقل می‌کند:
 [عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ:] أَبْكَى مِنْ ضَرْبَتِكَ عَلَى الْقَرْنِ وَ لَطْمِ فَاطِمَةَ خَدَّهَا (... ۲۴)
 [از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود:] [از ضربت بر فرق تو (امیرالمؤمنین علیه السلام) و سیلی بر گونه فاطمه گریه می‌کنم ...

سند شماره ۲

أَنَّ مُحَسِّنًا فَسَدَ مِنْ زَحْمِ قُنْفُذِ الْعَدُوِّ. (۲۵)
 [نقل شده است:] محسن بر اثر هل دادن بسیار شدید قُنْفُذِ عدوی از میان رفت.

ب) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام در کتاب «منتهی الآمال»

اشاره

از آنجایی که مرحوم محدث قمی در کتاب «منتهی الآمال» (صفحه ۲۶۹) می‌نویسد:
 «فقیر گوید که من مصائبی که بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شده در کتاب مخصوصی ایراد کردم و نامیدم آن را بیت الأحزان
 فی مصائب سیده النسوان. هر که طالبست به آنجا رجوع کند، این کتاب (منتهی الآمال) محل آن نیست.» ما نیز در این نوشتار، به دو
 نمونه از نقلهای مندرج در کتاب شریف «بیت الأحزان» اشاره می‌نماییم.

نمونه شماره ۱

محدث قمی (متوفای ۱۳۵۹) در کتاب «بیت الأحزان» نقل می‌کند:

فَأَمْرٌ عَمْرٌ قُنْفُذًا ابْنَ عَمَةٍ أَنْ يَضْرِبَهَا بِسُوطِهِ فَضَرَبَهَا قُنْفُذٌ بِالسُّوْطِ عَلَى ظَهْرِهَا وَجَنِيهَا إِلَى أَنْ أَتَتْهَا وَاتُّرِفِي جِسْمِهَا الشَّرِيفِ وَكَانَ
 ذَلِكَ الضَّرْبُ أَقْوَى ضَرْرٍ فِي إِسْقَاطِ جَنِينِهَا (۲۶ ...)

عمر به قُنْفُذ - پسر عمویش - دستور داد که آن بانو را با شلاقش بزند. لذا قُنْفُذ با تازیانه بر پشت و دو پهلوئی آن بانو کوبید تا جایی
 که ایشان را بی‌رمق کرد و از پای درآورد و [این ضربه‌ها] بر جسم شریف ایشان تأثیر گذارد و آن ضرب و جرح، اصلی‌ترین
 آسیبی بود که باعث سقط جنین ایشان گردید...

نمونه شماره ۲

و كَانَ سَبَبَ وَفَاتِهَا أَنْ قُنْفُذًا مَوْلَى عَمْرِ نَكَزَهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ فَأَسْقَطَتْ مُحْسِنًا وَ مَرَضَتْ مِنْ ذَلِكَ مَرَضًا شَدِيدًا (۲۷ ...)

و سبب وفات ایشان آن بود که قُنْفُذ - غلام عمر - به دستور او، نعل شمشیر (آهنی که در انتهای غلاف شمشیر است) را بر تن وی
 فرو
 کوفت و لذا محسن را سقط نمود و به همین دلیل سخت بیمار گردید...

ج) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام در کتاب «وفاة الصديقة عليها السلام»

نمونه شماره ۱

سید عبدالرزاق مقرر (متوفای ۱۳۹۱) در کتاب «وفاة الصديقة عليها السلام» می‌نویسد:
 ...حِينَ أَقْبَلَ [الرَّجُلُ] يَلْطُمُ حَدهَا حَتَّى احْمَرَّتْ عَيْنُهَا وَ الْعَبْدُ يَضْرِبُهَا بِالسُّوْطِ عَلَى عَضْدِيهَا. (۲۸)
 ...هنگامی که [آن مرد] به سیلی زدن بر گونه وی مبادرت ورزید - آن چنان که چشم ایشان سرخ شد - ؛ و غلام، با تازیانه بر
 بازوانش
 می‌کوبید.

نمونه شماره ۲

و دَفَعَ الْبَابَ وَ كَانَتْ ابْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ خَلْفَهَا فَمَانَعَتْهُ مِنَ الدُّخُولِ فَكَرَلَ الْبَابَ بِرِجْلِهِ وَ أُلْصَقَهَا إِلَى الْجِدَارِ ثُمَّ لَطَمَهَا
 عَلَى حَدهَا مِنْ ظَاهِرِ الْخُمَارِ حَتَّى تَنَاطَرَتْ قُرْطُهَا وَ ضَرَبَ كَفَّهَا بِالسُّوْطِ (۲۹ ...)

و در را فشار داد در حالی که دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله پشت آن بود. آن بانو مانع وارد شدن گردید؛ لذا آن مرد با لگد

بر در

کوبید و ایشان را به دیوار چسبانید. سپس از روی خمار (پارچه‌ای که با آن سر را می‌پوشانند) چنان بر گونه آن بانو سیلی نواخت که گوشواره‌اش پاره شد و بر دست وی نیز تازیانه کوبید...

د) رنجهای حضرت زهرا علیها السلام در کتاب «روضه الواعظین»

سند شماره ۱

ابن قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸) در کتاب «روضه الواعظین» نقل می‌کند:

[عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ:] أَوْصَتْ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جِنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَأَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ أَعْدَاءُ رَسُولِ اللَّهِ (... ۳۰)

[حضرت زهرا علیها السلام] وصیت فرمود که احدی از آنان که به من ظلم کردند و حق مرا غصب نمودند بر جنازه من حاضر نشوند؛ چرا که آنان دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند...

سند شماره ۲

[عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:]

قَالَ: [إِنَّهَا كَانَتْ سَاحِطَةً عَلَى قَوْمٍ كَرِهَتْ حُضُورَهُمْ جِنَازَتَهَا (... ۳۱)]

[از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود:]

آن بانو بر گروهی که از حضورشان بر سر جنازه‌اش نفرت داشت، غضبناک بود...

ه) رنجهای حضرت زهرا علیها السلام در کتاب «أعيان الشيعة»

سید محسن امین (متوفای ۱۳۷۱) در کتاب «أعيان الشيعة» نقل می‌کند:

[و روى أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَامَ بَعْدَ دَفْنِهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ فَحَوْلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ:] وَ سَتَّبِعْتُكَ ابْنَتُكَ

بِتَضَافُرٍ (۳۲) أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَحْبِرَهَا الْحَالَ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مَعْتَلَجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَثِّهِ سَبِيلًا (... ۳۳)

[نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از دفن آن بانو برخاست و رویش را به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله

نمود، سپس

عرضه داشت:] و به زودی دخترت، تو را از همیاری امت برای ستم به او آگاه خواهد ساخت. با سؤال از او استقبال نما [و از او

پرس] و وضعیت را از او جويا شو؛ چه بسا سوز دلی که سینه‌اش [از آن] برآشفته‌ست و راهی برای افشای آن نمی‌یابد (... ۳۴)

یادآوری

میرحیب الله هاشمی خوئی (متوفای ۱۳۲۴) در کتاب «منهاج البراعه» (جلد ۱۳، صفحه ۱۴) فرمایش حضرت امیر علیه السلام را

مطابق نقل کتاب «اصول کافی» (۳۵) (جلد ۱، صفحه ۳۸۲) بدین صورت نقل می‌کند:

«و سَتَّبِعْتُكَ ابْنَتُكَ بِتَضَافُرٍ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا.»

وی سپس در شرح این کلام می‌نویسد:

فَبِإِنَّ التَّضَافُرَ بِمَادَّةِ الَّتِي هِيَ الظَّفَرُ وَ هُوَ القَوْزُ عَلَى المَطْلُوبِ يَدُلُّ عَلَى أَنَّ هَضْمَهَا كَانَ مَطْلُوبًا لَهُمْ ... وَ إِنْ كَانَ مَاخُودًا مِنْ «أُظْفَرَ

الصَّقْرُ الطَّائِرِ» مِنْ بَابِ افْتَعَلَ وَ تَضَافَرَ أَيْ أَعْلَقَ عَلَيْهِ ظُفْرَهُ وَأَخَذَهُ بِرَأْسِهِ فَيَدُلُّ عَلَى أَنَّهَا عَلَّقُوا أَظْفَارَهُمْ عَلَى هَضْمِهَا قَاصِدِينَ بِذَلِكَ

قَتَلَهَا و إِهْلَاكَهَا. ثُمَّ إِنَّ الْمَعْنَى الْخَمْسَةَ الْمَذْكُورَةَ لِلْهَضْمِ كُلِّهَا مَنَابِئُهُ لِلْمَقَامِ. (۳۶)

و تظافر با توجه به ریشه‌اش که «ظفر» است و به معنای دستیابی به مطلوب می‌باشد، بر این دلالت می‌کند که «ظلم به آن بانو» مطلوب آنان بوده‌ست و اگر از «أظفر الصقر الطائر» (باز شکاری بر پرندۀ چنگال انداخت) باشد که در باب «إفتعل» و «تظافر» وارد شده است؛ یعنی بر آن چنگال و ناخن فرو کرد و از رأس، آن را گرفت. لذا دلالت می‌کند بر آن که آنان برای ظلم بر آن بانو چنگال انداختند که با این کار، قصد قتل و نابودی اش را داشتند. سپس همه معانی پنجگانه «هضم» که ذکر شد، مناسب با عبارت است.

(و) لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام در سایر منابع متقدم و متأخر

استاد ارجمند، علامه جعفر مرتضی در کتاب «مأساة الزهراء علیها السلام» (جلد ۲، صفحات ۳۳۲ - ۳۳۶) به ۶۴ منبع روایی و تاریخی استناد می‌نمایند که در آنها به لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام تصریح شده است. در این بخش تنها به ۱۴ مأخذ جدید (علاوه بر منابعی که تاکنون بدان‌ها استناد نموده ایم) اشاره می‌کنیم:

- «أمالی»، تألیف: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳) صفحات ۹۹، ۱۰۱ و ۱۱۸.
- «إثبات الهداه»، تألیف: شیخ حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴) جلد ۱، صفحات ۲۸۰ و ۲۸۱.
- «إرشاد القلوب»، تألیف: حسن بن محمد دیلمی (متوفای ۷۷۱) صفحه ۲۹۵.
- «بشارة المصطفى»، تألیف: محمد بن علی طبری (متوفای ۵۵۳) صفحات ۱۹۷ و ۲۰۰.
- «الفضائل»، تألیف: ابن شاذان قمی (متوفای ۶۶۰) صفحات ۸، ۱۱.
- «غایة المرام»، تألیف: سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷) صفحه ۴۸.
- «تفسیر العیاشی»، تألیف: ابونصر عیاشی (متوفای ۳۲۰) جلد ۲، صفحات ۳۰۷ و ۳۰۸.
- «البرهان»، تألیف: سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷) جلد ۲، صفحه ۴۳۴.
- «الهدایة الکبری»، تألیف: خصیبی (متوفای ۳۳۴) صفحات ۱۷۹، ۴۰۷، ۴۰۸ و ۴۱۷.
- «نوادیر الأخبار»، تألیف: فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱) صفحه ۱۸۳.
- «علم الیقین»، تألیف: فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱) صفحات ۶۸۶، ۶۸۸.
- «المنتخب»، تألیف: فخرالدین طریحی (متوفای ۱۰۸۵) صفحات ۱۳۶، ۱۳۷ و ۲۹۳.
- «کامل بهائی»، تألیف: عماد الدین طبری (متوفای قرن ۷) جلد ۱، صفحات ۳۰۶، ۳۱۲ و ۳۱۳.
- «النقض»، تألیف: عبدالجلیل قزوینی (متوفای ۸۲۱) صفحات ۲۹۸، ۳۰۲.

پی‌نوشتها

(۱) - متن اصلی این پرسش مربوط به مقاله جناب آقای جواد محدثین در شماره ۳۷۷ روزنامه جام جم می‌باشد که با اشاره ضمنی به افکار و

اندیشه‌های انحرافی محمد جواد حجّتی کرمانی، در مقام مناظره، از وی سؤال کرده بود:

«اساساً علّت در گذشت آن حضرت چه بود؟ آیا مرگ طبیعی بود؟»

پرسش و پاسخ فوق (به قلم محمد جواد حجّتی کرمانی، مندرج در روزنامه آفتاب) در واقع، به جهت پاسخگویی به این سؤال نگاشته شده

است.

- (۲) - عباس محمود عقّاد در کتاب «فاطمه الزهراء و الفاطمیین» (چاپ دوم، صفحه ۶۸) بر این نکته تصریح می‌نماید.
- (۳) - دکتر علی شریعتی در کتاب «فاطمه، فاطمه است» (صفحه ۱۱۷) می‌پندارد:
«فاطمه اساساً تنی ضعیف داشت.»!
- (۴) - سید محسن امین در کتاب «أعیان الشیعه» (جلد ۱، صفحه ۳۰۷) به نقل از کتاب «مستدرک حاکم نیشابوری» بر این نکته، تصریح می‌آورد.
- (۵) - ایوب گنجی، فاطمه زهرا از خود دفاع می‌کند، ص ۳۶.
- (۶) - ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۶، ص ۲۱۴.
- (۷) - «هیئت» از ماده «هون: خواری» می‌باشد.
- (۸) - در منبع فوق، «هیئتی: راحتی ام» چاپ شده است؛ لکن «هیئتی» از لحاظ ادبیات عرب مناسب‌تر به نظر می‌رسد.
- (۹) - توجه: برخی نویسندگان با اتکا به «تقدیرگرایی به مفهوم جبری آن در تفکرات سنّیان»، «علّت» درگذشت زودهنگام حضرت زهرا علیهاالسلام را «تحقق» این پیش بینی رسول خدا صلی الله علیه و آله عنوان می‌نمایند!! انگیزه نقل و ثبت احادیثی با مضامین پیش گویی رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره رحلت زودهنگام حضرت فاطمه علیهاالسلام، توسط هواداران مکتب خلفا (از جمله: عایشه) را باید در همین نکته مهم جستجو نمود.
- (۱۰) - الشهد فی الشرع، القتیل فی سبیل اللّٰه.
زبیدی حنفی (متوفای ۱۲۰۵) تاج العروس فی شرح القاموس، ج ۲، ص ۳۹۱.
- (۱۱) - ر.ک: لسان العرب، ج ۳، ص ۹۶۰، مکتبه لبنان.
وفات «حالت از دنیا رفتن» را گویند؛ لذا هر نوع مرگی را شامل می‌گردد.
- (۱۲) - اللّٰهُ یَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حَیْنَ مَوْتِهَا (... زمر: ۴۲)
- (۱۳) - عاصمی شافعی (م ۱۱۱۱ هجری): سمط النجوم العوالی، ج ۱، ص ۴۲۶، دارالکتب العلمیه.
- (۱۴) - ابن ابی شیبّه (م ۲۳۵ هجری): المصنّف، ج ۳، ص ۶۲ و ج ۷، ص ۴۱۴، مکتبه الرشد.
- (۱۵) - چاپ: مؤسسه انتشارات علامه، قم.
- (۱۶) - چاپ: منشورات الرضی.
- (۱۷) - چاپ: انتشارات هجرت.
- (۱۸) - چاپ: حسینیه عماد زاده.
- (۱۹) - أعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۷۸.
- (۲۰) - أعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۳۰.
- (۲۱) - ر.ک: أعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۷۸؛ ج ۱، ص ۶۵۹؛ ج ۲، ص ۱۱؛ ج ۲، ص ۳۰؛ ج ۲، ص ۳۶؛ ج ۲، ص ۳۹؛ ج ۲، ص ۴۲.
- (۲۲) - چاپ: انتشارات الشریف الرضی.
- (۲۳) - چاپ: مکتبه العلمیه.
- (۲۴) - مناقب آل أیّطالب، ج ۲، ص ۲۰۹.
- (۲۵) - مناقب آل أیّطالب، ج ۳، ص ۳۵۸.
- (۲۶) - بیت الأحران، ص ۹۴.
- (۲۷) - بیت الأحران، ص ۱۶۰.

(۲۸) - وفاة الصديقه عليها السلام ، ص ۴۱.

(۲۹) - وفاة الصديقه عليها السلام ، ص ۶۷.

(۳۰) - روضة الواعظين، ص ۱۵۱.

(۳۱) - روضة الواعظين، ص ۱۵۳.

(۳۲) - همیاری.

(۳۳) - أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۲۲.

(۳۴) - علامه جعفر مرتضی در کتاب «مأساة الزهراء عليها السلام» (جلد ۱، صفحه ۴۴) می‌نویسد:

و هذه الأمور هي غير فذك و البارت و عصب الخلافه لأن هذه الأمور قد أعلنتها عليها السلام و بثتها بكل وضوح و احتجت لها و ألفت خطباً جليلاً في بيانها.

و این مسائل غیر از فدک و ارث و غضب خلافت است؛ چرا که این مسائل را آشکارا بیان نمود و با نهایت وضوح افشا فرمود و بر آن

احتجاج کرد و خطبه‌های گرانقدری در توضیح آنها ایراد نمود.

(۳۵) - چاپ: مکتبه الإسلامیه.

(۳۶) - هَضْمُهُ هَضْمًا مِنْ بَابِ ضَرْبٍ دَفَعَهُ عَنْ مَوْضِعِهِ فَانْهَضَهُ، وَقِيلَ: هَضَمَهُ كَسَرَهُ وَ هَضَمَهُ حَقَّهُ نَقَصَهُ هَكَذَا، فِي الْمَصْبَاحِ، وَقَالَ

فِي الْقَامُوسِ: هَضَمَ فَلَانًا ظَلَمَهُ وَ عَصَبَهُ كَاهْتَضَمَهُ وَ تَهَضَّمَهُ فَهُوَ هَضِيمٌ. (منهاج البراعه، ج ۱۳، ص ۳

«هَضْمُهُ هَضْمًا» مشابه ضَرْب خوانده می‌شود. [یعنی:] او را از جایگاهش راند و لذا او مورد ظلم واقع شد و گفته شده است: «هَضْمُهُ»

یعنی او را شکست و «هَضْمُهُ حَقَّهُ» یعنی به او توهین کرد؛ اینگونه در کتاب مصباح نقل شده‌ست و در کتاب قاموس گفته است: «هَضْمَ فَلَانًا» یعنی به او ظلم کرد و حَقَّش را غضب کرد؛ درست همانند «إِهْتَضَمَهُ» و «تَهَضَّمَهُ» «فَهُوَ هَضِيمٌ» (یعنی او مظلوم است).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».